



University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

In Search of Lost Unity: Ibn Jubayr's Rihla and the Aspiration for the Unity of the Islamic Caliphate in the Sixth Century AH

Amirhossein Kermani¹ , Bahman Zeynali²

1. Corresponding Author, Ph.D. Candidate in Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan Province, Iran (amirhoseinkermani313@gmail.com)

2. Associate Professor of Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan Province, Iran (b.zeynali@ut.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 26 February 2026
Received in revised form:
29 May 2026
Accepted: 29 August 2026
Published online: 21 October 2026

Keywords:
Al-Rihlah-Kinana,
Ibn Jubayr,
Unity of the Caliphate,
Disintegration of the Caliphate,
Ayyubids,
Almohads,
Quentin Skinner

ABSTRACT

Medieval Islamic travel accounts, beyond recording geographical and cultural observations, also convey representations of political order and the authors' religious and social concerns. Ibn Jubayr's Rihla was composed during one of the most critical periods in Islamic history in the sixth century AH, when the Islamic world was experiencing a decline in caliphal authority. This study asks whether the Rihla can be read as more than a pilgrimage-travel narrative and, if so, what kind of linguistic and political acts it performs within its historical context. Drawing on Quentin Skinner's contextualist approach, the study examines Ibn Jubayr's Rihla in relation to the political and intellectual milieu of its composition and treats the text not merely as a travel account but as a speech act embedded in the conflicts of the sixth-century Islamic world. The findings suggest that Ibn Jubayr repeatedly represents external threats, internal divisions within the Islamic world, and the condition of Muslim communities across different regions. His favorable portrayal of the Ayyubids and Almohads further indicates a sensitivity to political and religious cohesion in the Islamic world. Moreover, certain spatial and military descriptions go beyond simple observation and invite a political and strategic reading. The study concludes that the Rihla reflects concerns about the fragmentation of Islamic unity and an aspiration for greater cohesion, although demonstrating the existence of a coherent political program requires evidence beyond the text itself.

Cite this article: Kermani, A. & Zeynali, B. (2026). In Search of Lost Unity: Ibn Jubayr's Rihla and the Aspiration for the Unity of the Islamic Caliphate in the Sixth Century AH. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 59(1), 125-144. DOI: 10.22059/jhic.2026.411898.654641



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2026.411898.654641

Publisher: University of Tehran Press.

در جست‌وجوی وحدت گمشده: رحله ابن جبیر و تمنای وحدت خلافت اسلامی در سده ششم هجری

امیرحسین کرمانی^۱✉، بهمن زینلی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: amirhoseinkermani313@gmail.com
 ۲. دانشیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: b.zeynali@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ کلید واژه‌ها: <i>الرحله الکنانی، ابن جبیر، وحدت خلافت، گسست خلافت، ایوبیان، موحدین، کوئنتین اسکینر.</i>	سفرنامه‌های سده‌های میانه اسلامی، افزون بر ثبت مشاهدات جغرافیایی و فرهنگی، می‌توانند حامل بازنمایی‌هایی از نظم سیاسی و دغدغه‌های دینی و اجتماعی مؤلفان خود نیز باشند. رحله ابن جبیر در یکی از بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ اسلام در سده ششم هجری و در شرایطی نگاشته شد که جهان اسلام با کاهش اقتدار نهاد خلافت مواجه بود. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا می‌توان رحله ابن جبیر را فراتر از یک گزارش زیارتی - سیاحتی خواند و در این صورت، این متن چه نوع کنش زبانی و سیاسی را در زمینه تاریخی خود صورت‌بندی می‌کند؟ این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد زمینه‌گرایی کوئنتین اسکینر، رحله ابن جبیر را در پیوند با زمینه‌های سیاسی و فکری عصر مؤلف بررسی می‌کند و متن را نه صرفاً به عنوان گزارشی از سفر، بلکه به مثابه کنشی زبانی در بستر منازعات سده ششم هجری تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ابن جبیر در رحله خود به‌طور مکرر تهدیدهای بیرونی، شکاف‌های درونی جهان اسلام و وضعیت جوامع مسلمان را بازنمایی می‌کند. ستایش او از ایوبیان و موحدین نیز حاکی از حساسیت وی نسبت به مسئله انسجام سیاسی و دینی جهان اسلام است. برخی توصیف‌های مکانی و نظامی در «الرحله» نیز کارکردی فراتر از توصیف صرف دارند و امکان خوانش سیاسی و راهبردی متن را تقویت می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رحله ابن جبیر را می‌توان بازتابی از مسئله گسست وحدت و تمنای انسجام جهان اسلام در عصر مؤلف دانست، هرچند اثبات وجود یک برنامه سیاسی منسجم در پس این روایت‌ها، نیازمند شواهدی فراتر از متن موجود است.
استناد: کرمانی، امیرحسین و زینلی، بهمن (۱۴۰۵). در جست‌وجوی وحدت گمشده: رحله ابن جبیر و تمنای وحدت خلافت اسلامی در سده ششم هجری. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۱۲۵-۱۴۴. DOI: 10.22059/jhic.2026.411898.654641	© نویسندگان. DOI: 10.22059/jhic.2026.411898.654641



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

سفرنامه‌ها، به مثابه متونی میان‌رشته‌ای، افزون بر ثبت مشاهدات جغرافیایی، آیینۀ تمام‌نمای دغدغه‌ها و بینش سیاسی مؤلفان خود هستند. ابن جُبیر، ادیب اندلسی سده ششم هجری، در روزگاری می‌زیست که بحران مشروعیت سیاسی، تفرقه مذهبی و افول خلافت عباسی، بنیان‌های جامعه اسلامی را سست کرده بود؛ شرایطی که در شکل‌گیری افق معنایی متن او نقش داشت. رحله او، که در ظاهر گزارش سفری زیارتی-سیاحتی است، درون‌مایه‌ای از آشفتگی‌های درونی، تهدیدهای بیرونی صلیبیان و نگرانی از جریان‌های فکری انحرافی را در خود جای داده است. رحله او در پی تذکری عالمانه با اشعار تند و انتقادی علیه فلاسفه و جریان‌های باطنی، در کنار ستایش‌های معنادار او از صلاح‌الدین ایوبی و توجه ویژه به مسیرهای دریایی و دولت موحدین می‌تواند نشانه‌ای از تلاش متن برای اتصال این دو بازوی قدرت در جهت احیای نوعی وحدت سیاسی - خلافتی باشد که راه برون‌رفت از این بحران را در همگرایی قدرت‌های بزرگ زمانه، خاصه موحدین و بازگشت به نوعی تمرکزگرایی در امر خلافت می‌داند. این ویژگی‌ها، الرحله را از سطح یک سفرنامه صرف فراتر می‌برد و آن را به متنی راهبردی تبدیل می‌کند که در آن، نویسنده در پی صورت‌بندی راه‌کارهایی برای برون‌رفت از بحران گسست خلافت است. از این‌رو، بازخوانی این متن در بستر بحران‌های عصر مؤلف، نه تنها به درکی عمیق‌تر از لایه‌های پنهان آن می‌انجامد، بلکه شیوه‌ای از اندیشیدن به مسئله وحدت را در سنت تاریخ اندیشه اسلامی آشکار می‌سازد. از این‌رو، در متن می‌توان شیوه‌ای خاص در انتخاب مکان‌ها، زمان‌ها و نحوه توصیف آنها مشاهده کرد که با دغدغه‌های سیاسی و دینی او پیوند دارد که پژوهش را به سوی خوانشی تازه راهبری می‌کند که در آن، سفر نه کنشی عبادی یا سیاحتی، بلکه عرصه‌ای برای درک پراکندگی و جست‌وجوی راه‌های برون‌رفت از آن به‌شمار می‌آید.

پرسش بنیادین پژوهش آن است که آیا می‌توان الرحله را فراتر از یک سفرنامه، به مثابه متنی واجد کنش زبانی و سیاسی تفسیر کرد؟ به بیانی، ابن جُبیر در الرحله چگونه از سفرنامه‌نویسی برای بیان موضعی سیاسی و فکری در برابر بحران‌های جهان اسلام بهره گرفته است؟ این پژوهش، رحله ابن جُبیر را به مثابه کنشی زبانی در بستر بحران‌های سیاسی و دینی سده ششم بررسی می‌کند؛ کنشی که می‌تواند دلالت‌هایی فراتر از یک گزارش‌نویسی زیارتی باشد. بر این اساس، هدف پژوهش اثبات وجود یک برنامه سیاسی منسجم نزد ابن جُبیر نیست، بلکه بازسازی نوعی جهت‌گیری گفتمانی در متن است که به مسئله گسست وحدت دینی و سیاسی در خلافت اسلامی واکنش نشان می‌دهد. بر این مبنا فرض پژوهش آن است که:

۱. بحران در مشروعیت سیاسی و دینی جهان اسلام، نه صرفاً به عنوان بحران‌هایی داخلی، بلکه به عنوان فرصت‌هایی برای ظهور و تأسیس نظم نوین و وحدت‌بخش، به‌ویژه از طریق نقش‌آفرینی قهرمانانی چون صلاح‌الدین و جنبش‌های اصلاح‌گرا نظیر موحدین، دیده می‌شود.

۲. ابن جُبیر در گزارش‌های خود، با برجسته‌سازی بحران‌ها و تأکید بر جایگاه سیاسی ایوبیان و موحدین، درصدد صورت‌بندی نوعی گفتار معطوف به همگرایی و بازیابی انسجام در جهان اسلام بوده است. از این منظر، الرحله صرفاً گزارش زیارت نبوده و ابن جُبیر را انگیزه و تمنايي جز زیارت معبود در دل بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با الهام از رویکرد تاریخ اندیشه زمینه‌گرا^۱ و با اتکا به دیدگاه کوئنتین اسکینر^۲ انجام می‌شود. براساس این رویکرد، متون تاریخی صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های خبری یا انعکاس مستقیم واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی نیستند، بلکه نوعی کنش زبانی به شمار می‌روند که باید آن را در بستر تاریخی و فکری تولیدش فهمید. از این منظر، فهم یک متن مستلزم بازسازی زمینه‌های فکری و سیاسی‌ای است که متن در آن پدید آمده است (Skinner, 1969: 3-53). بر این اساس، رحله ابن جُبیر نه صرفاً به عنوان یک سفرنامه زیارتی - سیاحتی، بلکه به مثابه متنی بررسی می‌شود که در دل بحران‌های سیاسی و دینی سده ششم نوشته شده است، پژوهش می‌کوشد با مطالعه متن رحله در پیوند با زمینه تاریخی آن، نشانه‌های نگرانی مؤلف نسبت به وضعیت جهان اسلام و گرایش او به نوعی همگرایی سیاسی و دینی را بازسازی کند. در این مسیر، نحوه توصیف شهرها، بازنمایی تهدیدهای بیرونی، ارزیابی فرقه‌های رقیب، ستایش از برخی حاکمان مسلمان و تأکید بر ظرفیت‌های سیاسی و نظامی دولت‌های ایوبی و موحدی به منزله عناصر یک گفتار تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود ابن جُبیر از طریق این متن درصدد بیان چه دغدغه‌ای بوده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به ابن جُبیر و سفرنامه او را می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی کرد. نخست، پژوهش‌هایی هستند که به بررسی ابعاد فرهنگی - اجتماعی مندرج در رحله پرداخته‌اند. این تحقیقات، عمدتاً بر توصیف و تحلیل مشاهدات ابن جُبیر از مراکز علمی، بازارها، آداب و رسوم متمرکزند. نمونه‌هایی مانند *بازتاب مراکز آموزشی در سفرنامه ابن جُبیر*^۳ و *یا نمادهای تشیع در سفرنامه‌های حج مغربی و اندلسی*^۴ در این گروه قرار می‌گیرند. دسته دوم، مطالعات تطبیقی هستند که سفرنامه را با دیگر آثار هم‌زمن مقایسه می‌کنند. هدف آنها عموماً کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی یا سبکی است. آثاری چون *بررسی تطبیقی سفرنامه*

1. Contextual History of Ideas

2. Quentin Skinner (1940-)

۳. مظلوم، رقیه و ثنایی، حمیدرضا (۱۳۹۸). فصلنامه تاریخ و فرهنگ، ۱۰۲، ۷۷-۱۰۰.

۴. شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۹). فصلنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳ (۳۲)، ۳۹-۴۶.

ناصر خسرو و ابن جُبیر^۱ و مطالعه تطبیقی مختصات سفرنامه حج با تکیه بر سفرنامه ابن جُبیر و ابن مازہ،^۲ نماینده این رویکردند. دسته سوم، تحقیقاتی هستند که با نگاهی تاریخی یا ادبی به ترجمه، تصحیح یا معرفی کلی اثر پرداخته‌اند. این مطالعات، عمدتاً در سطح توصیف باقی می‌مانند. با وجود ارزشمندی این تحقیقات، یک خلاء مشهود در اغلب آنها دیده می‌شود: غفلت از تحلیل متن سفرنامه به مثابه یک کنش سیاسی یا بیانیه راهبردی. پژوهش‌های پیشین عموماً آنچه را که ابن جُبیر آشکارا نشان داده موشکافی کرده‌اند، اما کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که این گزارش‌ها «چرا و با چه هدفی» با این چینش و تأکید خاص در چنین زمانه‌ای ارائه شده‌اند. بنابراین وجه راهبردی پروژه وحدت طلبانه احتمالی مستتر در رحله، مورد غفلت واقع شده است. این پژوهش کوشیده است تا با عبور از نگاه توصیفی صرف، متن را در بستر حل بحران‌های عصر مؤلف بازخوانی و فرضیه‌ای نو را به آزمون بگذارد.

ابن جُبیر سفیر اندلس

أبی الحسن محمد بن احمد بن جُبیر کِنانی اندَلُسی متولد ۵۴۰ ق. - ۱۱۴۵ م. / متوفی ۶۱۴ ق. - ۱۲۱۷ م، مشهور به ابن جُبیر، از جمله کسانی است که از اندلس به مشرق عربی سفر کردند. آثاری که از او به نقل از سایرین به ما رسیده، بیشتر جنبه‌ای ادبی دارد و او را به عنوان یک ادیب معرفی می‌کند. ابن الخطیب از حجم آثار و تعداد آنها صحبت کرده است (ابن الخطیب، ۱۴۲۴: ج ۲: ۱۴۸). همچنین بخشی دیگر از اشعار ابن جُبیر را مَقَرّی، ادیب تلمّسانی، ثبت کرده و برخی دیگر از آن از طریق رحله او به ما رسیده است. به دلیل توجه به ادبیات، ابن جُبیر در آن فن به بالاترین درجه رسید و در هنر شعر و نویسندگی سرآمد شد (مَقَرّی، ۱۴۱۹: ج ۲: ۳۸۲). او خیلی زود، همچون پدرش، در کسوت دبیری حاکم غرناطه (از دودمان موحدون) به خدمت پرداخت (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۲۴۱). وی در سفرش به دمشق از اکابر فقه‌های شافعی زمان چون ابن عساکر دِمَشقی و استاد وی ابن ابی عَصْرُون اجازه روایت دریافت کرد (همان: ۳۸۳). ابن الخطیب از دیوان اشعار او و از دیگر آثارش زیر عنوان «تَیجَة وَحِدُ الْجَوَانِحِ فی تَأْبِینِ الْقَرِینِ الصَّالِحِ» و «نَظْمُ الْجَمَانِ فی التَّشْکِی مِنَ الْخَوَانِ الزَّמَانِ» و «تَرْسِیلِ بَدِیعٍ وَ حِکْمِ مُسْتَجَادَةٍ» و الرحله یاد کرده است (رضا، ۱۳۹۹: ج ۳: ۲۰۶).

وی مجموعاً سه سفر به مشرق داشته است که سفر اول با هدف اقامه حج صورت گرفت. مَقَرّی بر آن است که کفاره شرب خمر، انگیزه نخستین سفر حج او را از سال ۵۷۸ ق. / ۱۱۸۱ م. تا ۵۸۰ ق. / ۱۱۸۴ م. ایجاب کرده است (مَقَرّی، ۱۴۱۹: ج ۲: ۳۸۵). یادداشت‌های روزانه سفر اول او با نام رسالة الاعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک بوده و نام دیگر کتاب رحله الکِنانی منتسب به نام قبیله او بوده است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

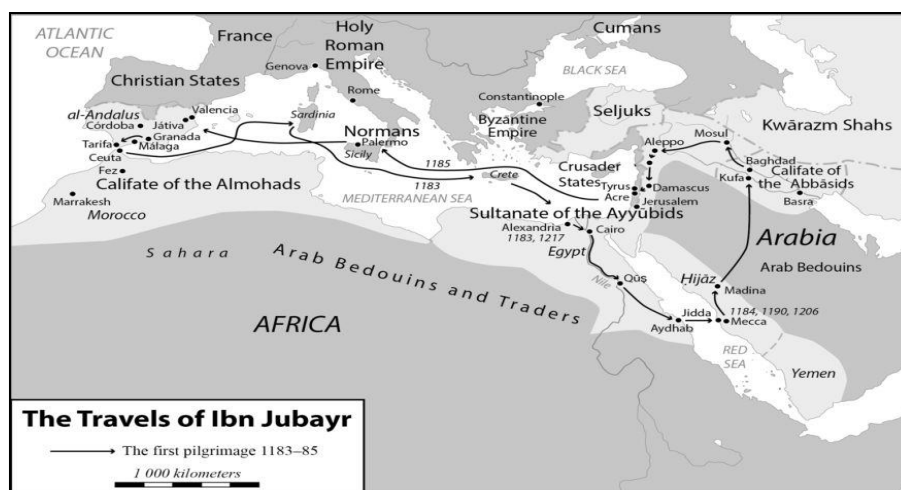
۱. قلی تبار، مرضیه و کارگر، الهه؛ کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی.

۲. عباس زاده، فاضل و ودود ولی‌زاده، ساریان (۱۴۰۱). فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، ۶۱، ۳۸-۵۲.

انگیزه آغاز سفر دوم هنگامی ایجاد شد که خبر فتح اورشلیم پخش شد. سفر سوم را پس از مرگ همسرش (۶۰۲ ق. / ۱۱۹۷ م.) آغاز کرد و سرانجام در اسکندریه درگذشت (ابن الخطیب، ۱۴۲۴: ج ۲: ۱۴۷).

اهمیت مسیر حرکت و بازگشت ابن جُبیر

مسیر نخستین سفر وی، با تکیه بر اشارات دقیق و تاریخ‌های مشخص، به خوبی قابل ردیابی است (ن. ک. کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۲۴۲) با ارزیابی مسیر حرکت ابن جُبیر برمی آید که بازدید از حرمین الشریفین، به جهت زیارت مهد اسلام دلیل مناسبی برای آغاز سفر بود. عراق دیار خلفای اسلام بود و مصر و شام به جهت برخورداری از ارض مقدس و مضاف بر آن در این زمان تنها سنگر اسلام و خلافت اسلامی در برابر خطر صلیبیان بود. با بررسی حوادث سه سال بعد از بازگشت ابن جُبیر، شاهد یکی از صحنه‌سازترین وقایع تاریخ اسلام هستیم: آغاز جنگ سوم صلیبی و پیروزی ایوبیان در نبرد حطین. پس از این پیروزی، شهرهای اسلامی در شام باز پس گرفته شد و سرانجام بیت‌المقدس در ۵۸۳ ق. / ۱۱۸۷ م. از سلطه صلیبیان آزاد شد (ابن اثیر، بی تا: ج ۲۳: ۱۰۰-۱۰۴؛ عودی و رضایی، ۱۳۸۶: ج ۱۳: ۵۶۴).



گسست وحدت سیاسی در خلافت اسلامی

سده ششم یکی از پر حادثه‌ترین و پیچیده‌ترین سده‌های تاریخ اسلام است. اهمیت این دوره برای پژوهش حاضر در آن است که رحله ابن جُبیر و انتساب تمنای وحدت خلافت به وی، در بستر وقوع حوادثی است که گسستگی امر خلافت و گسترش رقابت‌های سیاسی و مذهبی در محور تضارب قدرت میان سه خلافت بزرگ اسلامی، عباسیان،

فاطمیان و موحدین، به عنوان اولین نشانه گسست وحدت در آن دوره آشکار بود و مقدر بود سرنوشت دین و دولت اسلامی با صحنه‌گردانی ایشان تعیین شود. افزون بر این، منازعات داخلی نیز به تضعیف انسجام سیاسی جهان اسلام دامن زد و در برخی موارد، زمینه را برای مداخله یا بهره‌برداری قدرت‌های خارجی فراهم کرد (برای نمونه، ن.ک: ابن اثیر، بی‌تا: ج ۲۲: ۶۷، ۱۰۷، ۱۰۸). اگر به این موارد موج دوم و سوم حملات صلیبیان را بیفزاییم، در می‌یابیم که وضعیت دین و دولت اسلامی در مرحله بسیار بغرنجی قرار گرفته بود.

الف) عباسیان و فاطمیان

تضعیف اقتدار عباسیان به پراکندگی قدرت سیاسی و مزاعه دینی با افزایش نقش بازیگران محلی انجامیده بود و فاطمیان بر سر رهبری کل جهان اسلام با عباسیان در افتاده بودند؛ به‌طوری‌که تشویق ابوحماد غزالی به تألیف کتاب *فضایح الباطنیة*، تلاش آشکار عباسیان برای غلبه بر فاطمیان بود (ن.ک: تقوی، ۱۳۸۵: ۴۷-۶۴). در این میان، فرقه‌گرایی و برخورد خلفای رقیب، نگرانی اصلی جهان اسلام بود و سبب گشت که معارضه‌های قدیمی در سرحدات اسلام به فراموشی سپرده شود (لوئیس، ۱۳۷۴: ۳۳).

ب) ایوبیان و بازآرایی نظم سیاسی جهان اسلام

با برآمدن صلاح‌الدین ایوبی از سال ۵۶۶ ق. / ۱۱۷۰ م. مرحله تازه‌ای از مواجهه با صلیبیان آغاز شد که در آن، جنگ با دشمن بیرونی در کنار رقابت‌های درونی جهان اسلام ادامه یافت. سلطان ایوبی بعد از پیروزی حطین، مشغول تصرف نوار دریایی مدیترانه بود؛ اگر وی نفوذ خود را تا شهر صور ادامه می‌داد، می‌توانست مانع از ورود صلیبیان از جزیره کرت به بندر صور و مانع از تقویت قوای صلیبی شود، اما با وجود این فرصت، او از ادامه این روند منصرف شد؛ زیرا سلطان فکر خود را روی رقبای مسلمانانش متمرکز کرده بود و تا آنها تسلیم نمی‌شدند، امکانی برای یک جنگ تمام‌عیار با فرنگیان وجود نداشت (مایر، ۱۳۷۱: ۱۵۰). بنابراین به نظر نمی‌رسد که بیرون راندن مسیحیان دغدغه جدی‌ای برای سلاطین مسلمان بوده باشد؛ به ظن ما ضعف عباسیان، رقابت فاطمیان در امر خلافت و فشار صلیبیان را تنها سلحشوری نظامی در کنار تعصب دینی می‌توانست جبران کند که هر دو جزو ویژگی‌های اصلی صلاح‌الدین بود. از این‌رو، تثبیت مشروعیت سیاسی سلاطین مسلمان به تداوم جنگ‌های صلیبی وابسته بود نه با فیصله یافتن آن.

ج) ایوبیان و موحدین

موحدین در دورانی پدید آمدند که جهان اسلام شاهد پیشروی اروپاییان به سوی آن بود و در مشرق، امارت‌های سلجوقیان و دستگاه فاطمیان در رویارویی با این خطر ناکام مانده بودند (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۳۵) و وضعیت شرق و غرب اندلس با آغاز حمله پرتغال در سال ۵۸۵ ق. / ۱۱۸۹ م، بحرانی شده بود (عنان، ۱۳۷۰: ج ۲: ۱۳۴). از مناسبات

میان ابویان و موحدین، نامه نگاری‌های سیاسی میان صلاح‌الدین و خلیفه یعقوب المنصور است که در سال ۵۸۶ ق. / ۱۱۹۰ م، از سوی وزیرش به دربار موحدی اعزام شد. در این نامه سلطان از ابویوسف خواسته بود که بخشی از ناوگان خود را به صقلیه بفرستد. اما خلیفه به صلاح‌الدین پاسخ صریح نداد (عنان، ۱۳۷۰: ۴؛ ج ۴: ۱۴۲). صلاح‌الدین بار دیگر از سوی خود سفیری نزد خلیفه موحدی فرستاد که از این سفارت نیز چیزی عاید صلاح‌الدین نشد (همان: ۱۴۳). محتوای مراسلات فی فی مابین را المقری و ابوشامه المقدسی و عزالدین ابن اثیر ضبط کرده‌اند، اما گزارش ابوشامه مقدسی از وثوق بالاتری برخوردار است؛ زیرا موفق شده اصل نامه را ببیند و آن را دقیقاً رونویسی کند (ابوشامه، ۱۴۱۸: ج ۴: ۱۹۰-۱۹۴).

گسست دیانت در رحله الکَنانی

سفرنامه ابن جبیر سه میدان منازعه دینی در جهان اسلام را بازتاب می‌دهد: رواج اندیشه فلاسفه، نزاع با جریان‌های باطنی و مواجهه با صلیبیان. این سه حوزه را باید به عنوان بازتاب وضعیت از پیش متکثر نظم دینی در جهان اسلام تحلیل کرد، نه به عنوان عوامل تولیدکننده آن گسست.

الف) رواج اندیشه فیلسوفان نوافلاطونی

مخالفت با فیلسوفان به صورت شعر در اشعار ابن جبیر آمده که مقری آن را ضبط نموده است. از این رو، یکی از جنبه‌های مثبت موحدین که مورد تمجید ابن جبیر قرار گرفته و موجب شده تا موحدین حلقه گمشده این وحدت تصویر شوند، رویکرد فلسفه ستیزی موحدین است، چنانکه مواجهه ابویوسف المنصور با ابن رشد و دستور به سوزانیدن کتب فلسفی که در منابع ذکر شده را می‌توان نمونه‌ای برای آن دانست (التمیمی مراکشی، ۱۴۲۶: ۲۲۵). گسترش علم کلام اشعری تا حد زیادی از نفوذ عقل‌گرایی فلسفی در جهان اسلام جلوگیری کرد و یک سده پیش، چهره‌ای که مأموریت مقابله با فیلسوفان به او نسبت داده شد، امام محمد غزالی بود (نصر، ۱۳۹۳: ۳۳۶) که واکنش مهارگرایانه سنت‌گرایی در برابر فلسفه یونان، در حملات غزالی به نوافلاطونیان مسلمان، به‌ویژه فارابی و ابن‌سینا، آشکار شده بود (فخری، ۱۳۹۷: ۲۳۹) که در دنباله آن، بازتاب همین فضای مجادله‌آمیز در نوشته‌های ابن جبیر نیز در ذم فارابی و ابن‌سینا، مورد توجه قرار گرفته است که نمونه آن را در شعر زیر می‌توان دید (مقری، ۱۴۱۹: ج ۲: ۳۸۵):

۱. قد ظهرت فی عصرنا فرقة ظهورها شؤمٌ علی العصر

لا تقتدی فی الدین إلا بما سنَّ ابن سینا وأبونصر

۲. یا وحشة الإسلام من فرقة شاعلة أنفسها بالسفه

قد نبذت دین الهدی خلفها وأدعت الحکمة والفلسفه

۳. ضلّت بأفعالها الشنیعه طائفة عن هدی الشریعه لیست ترى فاعلا حکیما یفعل شیئاً سوی الطبیعه

ب) خطر فرقه اسماعیلیه

آفت تفکر اسماعیلیان برای دین موضوعی است که پیش از ابن جُبیر نیز علمایی چون غزالی و ابوالفرج ابن الجوزی (۵۹۷-۵۱۱ ق./ ۱۱۱۷-۱۲۰۱ م.) بدان پرداخته بودند اما جبهه‌ای که غزالی در برابر باطنیه گشوده بود بیشتر از جنبه سیاسی بود تا دینی (فاخوری، ۱۳۹۳: ۵۴۲) یک سده بعد از آنان ابن جُبیر نیز در گزارش سیاحت خود از شام، ذیل ذکر سه شهر بُزاعه، حلب و دمشق، از آفت اسماعیلیه یاد می‌کند. وی جنبش‌های آنان را هم مایه دردسر می‌داند و هم عقایدشان را به الحاد وصف می‌کند: اسماعیلیان بُزاعه را با عنوان «ملحدان اسماعیلی» (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۰۷)؛ اسماعیلیان جبل لبنان را «فرقه‌ای که از اسلام روی برتافته و یکی از آدمیان را خدای پنداشته» (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۱۳) و شیعیان دمشق را رافضی دانسته و به‌طور خاص نصیریان را «کافر» معرفی می‌کند (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۴۱).

ج) خطر صلیبیان

جنگ‌های صلیبی که با هدف آزادسازی بیت‌المقدس و دیگر اماکن مسیحی در فلسطین و نیز ایجاد دولت‌های صلیبی صورت گرفت (عودی، ۱۳۹۳: ج ۱۱: ۱۵۹)، آسیب‌های جدی برای جهان اسلام در پی داشت که در الرحله به آفات آن اشاره شده است. ابن جُبیر در ضمن مشاهدات خود، روایت‌هایی از مصائب مسلمانان ساکن در قلمرو مسیحیت دارد که دال بر وضعیت خطیر حاکمیت اسلامی در مرزها بود (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۱۴). او از محاصره دژ کرکوک (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۵۰) و دژ کرک (همان، ۳۶۰، ۳۶۳) به تفصیل یاد می‌کند. در ذکر شهر عکا و دژ تبنین که با غلبه مسیحیان، به اخذ عوارض گمرکی از مسلمانان می‌پرداختند ناخرسندی راوی مشهود است (همان، ۱۳۷۰: ۳۶۶)؛ زیرا مساجد آن به کلیسا تبدیل شده بود و صدای ناقوس از صومعه‌ها شنیده می‌شد (همان، ۳۶۹). ابن جُبیر همچنین به آوارگی مسلمانانی اشاره دارد که در خلال جنگ‌های صلیبی در شهر صور و عکا ساکن بودند و با محاصره صلیبیان، وادار به ترک آنجا شدند (همان، ۳۷۳).

صورت‌بندی وحدت در خلافت: فرضیه مستتر در رحله الکَنانی

مسئله اصلی آن است که ابن جُبیر وضعیت جهان اسلام را چگونه صورت‌بندی می‌کند و این صورت‌بندی از چه طریق به نگرش او نسبت به بحران‌های درونی و بیرونی زمانه پیوند می‌خورد. پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم آن است که متن هم از حیث تحلیل معنایی و هم از حیث الگوهای تکرارشونده بررسی شود.

بررسی گفتمانی و معنایی: تحلیل کیفی

الف) صورت‌بندی نظم سیاسی در الرحله

یکی از صریح‌ترین مواضع سیاسی ابن جُبیر در الرحله، امید او به گسترش نفوذ موحدین در سرزمین‌های شرقی است؛ ابن جُبیر از رخدادی یاد می‌کند که آن را «الدَّعْوَةُ الْمُؤْمِنِيَّةُ الموحديَّة» می‌نامد (ابن جُبیر، بی‌تا: ۵۶). کاربرد این تعبیر نشان می‌دهد که او نام‌گذاری سیاسی را با بار مشروعیت‌بخشی به کار می‌گیرد، نه صرفاً به عنوان اشاره به یک دولت. در ادامه می‌گوید که مردم سرزمین مصر و اسکندریه وقوع این امر و تصرف آن بلاد و جهانداري موحدین را منتسب به وقوع حوادثی ساخته‌اند که از قضا یکی از آنان محقق گشته و مردم در انتظار حادثه دوم‌اند:

«ومن عجب ما شاهدناه في أمر الدعوة المؤمنية الموحدية وانتشار كلماتها بهذه البلاد واستشعار أهلها لمملكتها أن أكثر أهلها وكان من الاتفاق العجيب أن وقع التمثال الناظر إلى المشرق فتلا وقوعه استيلاء الغز على الدولة العبيدية وتملكهم ديار مصر وسائر البلاد»^۱ (ابن جُبیر، بی‌تا: ۵۶)

ابن جُبیر در مواضع مختلف موحدین را نیرویی تصویر می‌کند که می‌تواند بدعت‌ها را بزدايند و نظم دینی جهان اسلام را احیا کند و مردم را در آرزوی سقوط مشرق به دست موحدین توصیف می‌کند. این گزارش لحن پیش‌گویانه و نمادین دارد و نشان می‌دهد که ابن جُبیر استیلاي موحدین را در افق یک تحول سیاسی بزرگ، قریب الوقوع می‌دید. همچنین از اطلاع خلیفه موحدی نسبت به اشتیاق مردم مصر و واعظین شهر بر آن دیار می‌نویسد: «ولم يبق إلا الكائنة السعيدة من تملك الموحدين لهذه البلاد ... بين يدي سيدنا أمير المؤمنين أعلى الله أمره وهو يترقب ذلك اليوم ارتقاب يوم السعادة وينتظره انتظار الفرج بالصبر الذي هو عبادة والله عز وجل يبسطها من كلمة ويعليها من دعوة إنه على ما يشاء قدير»^۲ (ابن جُبیر، بی‌تا: ۵۷).

در این قطعه، ابن جُبیر با استفاده از زبانی آینده‌محور، موحدین را به عنوان رخداد سعادت‌آمیز در شرف تحقق صورت‌بندی می‌کند؛ چنانکه تصرف سیاسی موحدین در قلمرو اسلامی در سطح یک امر محتوم و مبارک بازنمایی می‌شود. این نوع بیان، موحدین را در مقام تحقق «أمر الله الحق» و «دعوت الصدق» قرار می‌دهد؛ در همین چارچوب، ارجاع به «أمير المؤمنين» و تصویر انتظار جمعی برای «يوم السعادة» نشان می‌دهد که موحدین در ذهنیت سیاسی ابن جُبیر، به مثابه کانونی برای بازسازی انسجام جهان اسلام عمل می‌کند. با پذیرش گفتار ابن جُبیر از قصد خلیفه موحدی برای یکپارچه سازی جهان اسلام، دلیل عدم همکاری منصور موحدی در پاسخ به مراسلات سلطان ایوبی، برای مقابله با صلیبیان روشن می‌گردد. ارجاع مکرر او به غلبه محتمل موحدین بر سرزمین‌های شرقی، همراه با نقل باورهای عمومی نشان می‌دهد که قدرت موحدی در متن الرحله در قالب یک افق تحقق‌پذیر آینده بازنمایی می‌شود.

۱. برای ترجمه متن ن.ک: (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

۲. برای ترجمه متن ن.ک: (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

در چنین صورت‌بندی امکان بازسازی این گزاره فراهم می‌شود که در افق معنایی الرحله، گرایش به نوعی وحدت سیاسی-دینی، در قالب انتظار برای غلبه نیرویی واحد و اصلاح‌گر وجود دارد. در قطعه ذیل، ابن جُبیر با ایجاد تقابل میان شرق و غرب جهان اسلام، مرزهای مشروعیت دینی را بازتعریف می‌کند:

إنه لا إسلام إلا ببلاد المغرب لأنهم على جادة واضحة لابنيات لها. وما سوى ذلك مما بهذه الجهات المشرقية فأهواء وبدع و فرقة ضالة وشيع إلا من عصم الله عز وجل من أهلها كما إنه لا عدل ولا حق ولا دين على وجهها إلا عند الموحدين فهم آخر أئمة العدل في الزمان. وفي كل سواهم من الملوك في هذا الأوان فعلى غير الطريقة يعشرون^۱ (ابن جُبیر، بی تا: ۵۶).

در آغاز این قطعه، ابن جُبیر شرق اسلامی را به سطحی آکنده از بدعت، انحراف و فقدان نظم دینی فرو کاسته و در مقابل در گزاره کلیدی «لا عدل ولا حق ولا دين... إلا عند الموحدين»، موحّدين را به تنها حاملان عدالت، حق و دين در جهان اسلام تبديل می‌کند. این تقابل، صرفاً یک توصیف جغرافیایی نیست، بلکه یک صورت‌بندی سیاسی است که در این چارچوب، مشروعیت دینی از نواحی شرقی سلب شده و در دولت موحّدی متمرکز می‌شود. عبارت «هم آخر أئمة العدل في الزمان»، موحّدين را نه یک قدرت منطقه‌ای، بلکه آخرین حلقه تاریخی عدالت در امت اسلام معرفی می‌کند و همه دولت‌های غیرموحّدی را در مقام حاکمان غیرشرعی قرار می‌دهد. در «توصیف وضعیت حج» به یک صورت‌بندی سیاسی می‌رسد، و عبارت «بسیوف الموحدين» در متن او به عنوان ابزار رفع بدعت و بازگرداندن نظم دینی ظاهر می‌شود:

فراكب هذا السبيل راكب خطر ومعتسف غرر ... فكيف وبیت الله الآن بأیدی أقوام قد اتخذوه معيشة حرام وجعلوه سببا إلى استلاب الأموال ... تلافاهها الله عن قريب بتطهير يرفع هذه البدع المحجفة عن المسلمين بسیوف الموحدين أنصار الدين وحزب الله أولى الحق والصدق والذابين عن حرم الله والغائرون^۲ (ابن جُبیر، بی تا: ۵۵).

ابن جُبیر، بحران حج را صرفاً اخلاقی نمی‌بیند، بلکه آن را به مسئله حکمرانی بر مکان مقدس پیوند می‌زند و امکان خوانش سیاسی از آن را پیش می‌کشد، هرچند این خوانش نیازمند احتیاط است، اما وی نشان می‌دهد کنترل حرم به یک منبع نامشروع اقتصادی برای متولیان آن تبدیل شده بود.

۱. برای ترجمه متن ن.ک: (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۱۱۴)

۲. برای ترجمه متن ن.ک: (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۱۱۴)

(ب) ملاحظات جغرافیایی قدرت

یکی از نکات مسطور در یادداشت‌های ابن جُبیر که نوشته او را از سیاحت صرف فراتر می‌برد، ارائه گزارش‌های راهبردی از وضعیت استقرار سرزمین‌های مسیحی‌نشین است. او از حاکمان شهر و سپاه آنان، موقعیت برج و باروهای دشمن و شیوه‌های دفاعی، جهات دریایی و خشکی قابل نفوذ به شهر مورد نظر گزارش می‌دهد. همچنین، مدح سلطان ایوبی با سه خصلت «حلم»، «کرم رشیدی» و «عدل عمری» (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۶۰-۳۶۱)، امکان شنیده شدن سخن او نزد سلطان را فراهم می‌کرد. از جمله نمونه‌هایی که می‌تواند مدعای سیاسی بودن گزارش‌های ابن جُبیر را نشان دهد اخباری است که ذیل شهر صور و بیابان طبریه ارائه می‌کند:

بیابان طبریه به سبب سهولت راه، معبر کاروان‌هایی است که از دمشق می‌آیند اما کاروان‌هایی که از طریق تبّنین می‌گذرند به سبب گل آلودگی از استر استفاده می‌کنند ... کوه طور نزدیک بیابان طبریه است و بین عکا و بیت المقدس سه روز راه، و بین دمشق تا صور هشت روز راه است و این شهر (صور) بین سمت مغرب و قبله از عکا به سوی اسکندریه قرار دارد که خداوند به چیرگی و عزت خود آن را به مسلمانان بازگرداند (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۷۶).

صلاح‌الدین در نبرد حطّین، با محاصره قلعه طبریه، مسیحیان را به ترک منطقه صفوریه مجبور کرد؛ آنان را از دسترسی به دریاچه طبریه محروم ساخت و به منطقه‌ای با زمین‌های خشک کشانید (شاندور، ۱۳۶۹: ۲۵۱؛ مایر، ۱۳۷۱: ۱۵۶). در ذکر شهر پالرمو میل و آرزوی زمانه‌اش را چنین می‌نویسد:

«زود باشد که خداوند، توسن روزگار را با اهل این جزیره رام کند و این سرزمین را دگر باره دارِ ایمان و سرای قرار اسلام سازد» (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۴۰۵).

در ذکر شیوه دفاعی شهر اطرابلس در سیسیل می‌نویسد:

«در شمال شرق شهر کوهی است بزرگ و در قله آن سنگر و دژی از آن رومیان است و بین آن دژ و کوه پلی بسته‌اند و به آن سوی پل شهری بزرگ متعلق به رومیان پیوسته است، خداوند آن را نصیب مسلمانان سازد» (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۴۰۸ و ۴۰۹).

از روایت او درباره دشواری زیست مسلمانانی که تحت شرایط ذمه در دیار کفر زندگی می‌کردند، درمی‌یابیم که مشاهده این اوضاع، قلوب انسان‌هایی همچون ابن جُبیر را عمیقاً متألم می‌ساخته است:

ما در مدت اقامت خود در این شهر (اطرابلس)، از سوء احوال مردم این جزیره، در زیر حاکمیت خاج پرستان^۲ چیزها دیدیم از ذلت و بیچارگی و زندگی زیر تعهد ذمی بودن و سختگیری و خشونت آن شاه

۱. شهر تریپانی امروز واقع در ایتالیا

۲. به معنی صلیب پرستان که منظور مسیحیان‌اند که به تثلیث قائل‌اند.

مزور با حادثه سازی های ناگهان که موجب فریفته شدن هر کس از دین و ایمان و اغوای زنان و فرزندان این سامان است (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۴۱۴).

ابن جبیر در جای جای رحله، در ذکر مشاهدات خود از سرزمین مصر، از هر فرصتی برای تمجید سلطان مصر استفاده می‌کند و آن را به دعای «منزه است آن که وی را چون نامش مایه صلاح دین خویش قرار داد» ثنا می‌گوید (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۸۱) همچنین اشعاری در مدح سلطان ایوبی دارد که مَقَری آنها را ثبت کرده است (ن.ک.: مَقَری، ۱۴۱۹: ج ۲: ۱۸۳). اموری مانند اهتمام سلطان به نسخ و تأدیة عوارض راهداری که موجب تکلف حاجیان بوده (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۸۸، ۸۹، ۱۱۳)، اعمال خیری چون اطعام رهگذران بی‌توشه (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۷۳)، ایجاد مدارس برای طالبان علم و اهل اعتکاف (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۷۲) و پایگاه او در دفاع از دین و ایمان، چنان است که به شمار نگنجد (همان: ۷۴). ابن جبیر مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید که سرزمین شما به فضل اسلام شریف گشته است (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۵۱). او شرافت سرزمین اسلامی را با یادآوری مهمان‌نوازی (همان: ۳۴۹)، امکانات رفاهی برای کسب علم (همان: ۳۴۸) و اعمال نیک سلاطین عادل و همچون نورالدین زنگی و صلاح‌الدین برجسته می‌کند (همان: ۳۴۸)، تا شاید مسلمانان در وحدتی یک‌کلمه گرد آیند.

ج) توجه به فضائل معنوی شهرها

او با یادآوری زیبایی‌های شهرهای شام و با بهره‌گیری از ایجاز در نثر، فراوانی نظم و توسل به شعر، گوشزد می‌کند که مقتضای زمانه ما یادآوری زیبایی‌ها و نعمت‌هایی است که خداوند به این سرزمین‌ها ارزانی داشته است: از آب‌وهوای دلپذیر آن تا معماری شگرف مساجد، و از تنوع بازارها تا عدالت سلطان. چنین به نظر می‌آید که وی با اشارات مکرر به فضایل معنوی شهرهای اسلامی، به سبب وجود مشاهد و مزارات انبیای سلف (ابن جُبیر، ۱۳۷۰: ۳۳۶-۳۳۷)، در پی آن است که میراث معنوی شهرهای اسلامی را به مسلمانان یادآوری کند و پاسداری از آن را امری ضروری بنمایاند. شعری که او در مدح دمشق سروده و مَقَری آن را ضبط کرده است، نمونه‌ای گویا از این رویکرد به شمار می‌آید (مَقَری، ۱۴۱۹: ج ۲: ۳۸۹).

با وجود چنین زمینه‌های اجتماعی گسترده‌ای، پذیرش این استدلال که ابن جبیر صرفاً به قصد ادای کفارة معصیت به حج رفته باشد، سست و دور از ذهن می‌نماید. زمینه‌ها و چالش‌های یادشده برای برانگیختن اندیشه‌های عالمی ادیب چون ابن جبیر کافی بود تا رسالت خود را به عنوان فقیه و ادیب زمانه ایفا کند. اگر بپذیریم که هدف از حج نخست، کفارة گناه بوده است، در این صورت سفرهای دوم و سوم با چه توجیهی انجام شده‌اند؟ آن هم در زمانی که خبر مهم تسخیر بیت‌المقدس به او رسیده بود؟ بنابراین آنچه ایجاباً ضرورت اتحاد را برای صاحب‌الرحله ناگزیر می‌ساخت، وجود همان آفت‌هایی بود که برشمردیم. همچنین از مجموع گزارش ابن جُبیر برمی‌آید که وی با در نظر گرفتن فرصت‌های زمانه خود به بازسازی «وضع موجود» می‌اندیشید. به بیان دیگر، او راه اصلاح جامعه اسلامی را نه در بازگشت به

گذشته، بلکه در بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود می‌دید و تبلور این ظرفیت‌ها را در سلطان ایوبی و دولت موحدین جست‌وجو می‌کرد.

بررسی الگوهای تکرار شونده: تحلیل کمی

منظور از تحلیل کمی توجه به الگوهای تکرار شونده‌ای است که نشان می‌دهد گرایش ابن‌جبیر به انسجام مذهبی-سیاسی جهان اسلام بدست قدرت‌های ایوبی و موحدی، تصادفی نبوده است. این جداول به معنای تقلیل متن به داده‌های آماری نیستند، بلکه برای نشان دادن توزیع الگوهای گفتمانی در بازنمایی قدرت‌های سیاسی در *الرحله* ارائه شده‌اند. در این بخش، منظور از ارجاعات، استناد به صفحات نسخه عربی *رحله ابن‌جبیر* است.

الف) گروه قدرت: ایوبیان

نوع واکنش زبانی	نمونه در متن اصلی	ارجاعات
مشروعیت بخشی به صلاح‌الدین	۱. لولا ما تلافی الله به المسلمین فی هذه الجهات بصلاح الدين... ۲. إلا صلاح الدين صاحب الشام وديار مصر المشتهر الفضل والعدل فهذا اسم وافق مسماه ولفظ طابق معناه... السلطان العادل صلاح الدين...	۵۴ ۲۱۶
تمجید از عدالت و دیانت سلطان	الملك العادل صلاح الدين...	۳۸، ۳۱، ۳۰ ۵۶، ۵۵، ۳۹ ۸۰ ۲۵، ۲۵۷
محبوبیت اجتماعی صلاح‌الدین	۱. وعند ذكر صلاح الدين بالدعاء تخفق الألسنة بالتأمين عليه من كل مكان... ۲. ارتفعت أصوات الطائفين بالتأمين... ۳. ألقى عليه من محبة الناس...	۷۳ ۸۰ ۸۰
احیاگر دولت عباسی و خلافت	لمحيي دولته أبي المظفر يوسف بن أيوب.	۲۵
مدح اصلاحات اداری و مالی	۱. الوظائف المكوسية التي كانت قبل اليوم التي ذكرنا رفع صلاح الدين لها... ۲. هذا السلطان الذي سن هذه السنن المحموده و رسم هذه الرسوم الكريمة... ۳. ومن مفاخر هذا السلطان إزالته رسم المكس...	۴۵ ۱۶ ۳۰

ایوبیان در حوزه‌هایی چون عدالت، اصلاحات اداری و مالی، حمایت از شعائر دینی، احیای خلافت عباسی و مقبولیت اجتماعی ظاهر می‌شوند. کاربرد مکرر تعبیری چون «السلطان العادل» و «الملك العادل» نشان می‌دهد که عدالت، مهم‌ترین مؤلفه در بازنمایی قدرت ایوبی نزد ابن‌جبیر است. عنوان «السلطان العادل» و «الملك العادل» صرفاً یک

لقب رسمی نیست، بلکه حاکی از آن است که مشروعیت ایوبیان بر اصلاح نظم دینی و اجتماعی استوار بوده است. رابطه میان قدرت سیاسی و جامعه از طریق مردم بازنمایی می‌شود، استقبال عمومی مردم و هم‌صدایی آنان در دعا، مؤید مشروعیت اجتماعی و آیینی سلطان است که در صحنه‌های نماز جمعه، پس از ذکر نام صلاح‌الدین، واکنش جمعی «تأمین» (آمین گفتن) به صورت گسترده رخ می‌دهد.

ب) گروه قدرت: موحدین

نوع واکنش زبانی	نمونه در متن اصلی	ارجاعات
مشروعیت سیاسی-دینی	أَنْصَارُ الدِّينِ، حَزْبُ اللَّهِ، أَوْلَى الْحَقِّ وَالصِّدْقِ، الذَّالِمِينَ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ...	۵۵
بدعت‌زدایی از دین خدا با تیغ موحدین	تَلَاوَاهَا اللَّهُ عَنْ قَرِيبٍ بِتَطْهِيرٍ يَرْفَعُ هَذِهِ الْبِدْعَ الْمَجْحُفَّةَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ بِسَيْفِ الْمُوَحِّدِينَ...	۵۵
موحدین مرجع نهایی عدالت / نفی عدالت از سایر بلاد	۱. لَا عَدْلَ وَلَا حَقَّ وَلَا دِينَ ... إِلَّا عِنْدَ الْمُوَحِّدِينَ ... ۲. هُمْ آخِرُ أُمَّةِ الْعَدْلِ فِي هَذَا الزَّمَانِ ...	۵۶ ۵۶
نشانه‌شناسی پیشگویانه از تفوق موحدین بر سرزمین‌های شرقی	يُرُونَ أَنَّ حُدُوثَهَا يَأْذَنُ بِاسْتِيْلَاءِ الْمُوَحِّدِينَ عَلَيْهَا وَعَلَى الْجِهَاتِ الشَّرْقِيَّةِ ...	۲۸
قدسی‌سازی دعوت موحدین	۱. وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا الْكَائِنَةُ السَّعِيدَةُ مِنْ تَمْلِكِ الْمُوَحِّدِينَ لِهَذِهِ الْبِلَادِ ... وَاللَّهُ يَبْسُطُهَا مِنْ كَلِمَةٍ وَيُعْلِيهَا مِنْ دَعْوَةٍ ... ۲. مِنْ عَجِيبٍ مَا شَاهَدْنَاهُ فِي أَمْرِ الدَّعْوَةِ الْمُؤْمِنِيَّةِ الْمُوَحِّدِيَّةِ وَانْتِشَارِ كَلِمَتِهَا بِهَذِهِ الْبِلَادِ ...	۵۷ ۵۶

بازنمایی موحدین در *الرحله*، از الگوی گفتمانی نسبتاً منسجمی پیروی می‌کند. موحدین در افق معنایی مؤلف، نه صرفاً یک دولت، بلکه حاملان نظم مطلوب دینی و سیاسی تلقی می‌شوند، به‌ویژه پیوند میان «رفع البدع» و «بسیوف الموحدین» بیانگر آن است که ابن‌جبیر اصلاح دینی را با اقتدار سیاسی موحدین گره می‌زند. موحدین به عنوان نیروی تطهیرگر و اصلاح‌گر دینی تصویر می‌شوند که مأموریت آنان رفع بدعت‌ها از جهان اسلام است. گزاره‌ها نوعی «انحصار عدالت» را شکل می‌دهند که در آن سایر قدرت‌ها از دایره عدالت حذف و موحدین به مرجع یگانه ارزش‌های دینی-سیاسی تبدیل می‌شوند. موحدین در قالب «قدرتی آینده‌محور و پیشگویانه» ظاهر می‌شوند که گسترش آن به مثابه امری الهی تصور گردیده است. در نهایت ارجاع به «الدعوة المؤمنية الموحدية» و انتظار عمومی برای استیلای موحدین بر سرزمین‌های شرقی، نشان می‌دهد که موحدین به عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های بالقوه برای غلبه بر گسست سیاسی و دینی جهان اسلام تصویر شده‌اند در حالی که ایوبیان بیشتر واجد کارکرد اجرایی و سیاسی‌اند.

نتیجه‌گیری

بر پایه شواهد بررسی‌شده، رحله ابن جبیر سفرنامه‌ای زیارتی نیست، بلکه متنی است که در آن بحران گسست جهان اسلام و امکان ضمنی همگرایی سیاسی-دینی، به صورت مکرر بازنمایی می‌شود. این متن در مقام یک کنش زبانی، حامل نوعی صورت‌بندی از مسئله گسست و وحدت در جهان اسلام است. این پژوهش، رحله ابن جبیر را نه به مثابه متنی صرفاً توصیفی، بلکه به عنوان کنشی زبانی نسبت به یک مسئله، ارزیابی می‌کند که در بستر بحران‌های سیاسی و دینی سده ششم تحلیل می‌شود.

انعکاس بحران در *الرحله* فقط در قالب گزارش وقایع سیاسی دیده نمی‌شود، بلکه در زبان ابن جبیر می‌بینیم که بحران گسست خلافت، افق معنایی *الرحله* را سازمان می‌دهد و در توصیف شهرها، در ستایش برخی قدرت‌ها و در نکوهش برخی دیگر، به صورت یک نظام معنایی منسجم حضور دارد و از این منظر، این پرسش که مسئله ابن جبیر چه بوده است، پاسخ خود را می‌یابد. بنابراین مسئله او صرفاً انجام حج یا ثبت مشاهدات سفر نبود، بلکه اندیشیدن به امکان بازسازی نظم سیاسی - دینی جهان اسلام در پرتو بحران موجود بود و در این معنا، *الرحله* متن تفسیر بحران و صورت‌بندی امکان اصلاح آن است. بر این اساس متن *الرحله*، در مواجهه با وضعیت گسست اقتدار خلافت، رقابت قدرت‌های مسلمان و استمرار تهدید صلیبی، خوانشی سیاسی از این بحران را ارائه می‌دهد که بر چند محور اصلی استوار است؛ ابن جبیر در مواجهه با سه‌گانه بحران‌زای عصر خویش، یعنی تضعیف اقتدار خلافت، رقابت قدرت‌های مسلمان و استمرار تهدید صلیبی، خوانشی سیاسی از وضعیت جهان اسلام ارائه می‌دهد که بر دو محور اصلی استوار است: نخست، او میان شرق و غرب اسلامی تمایزی آشکار می‌نهد و شرق را غالباً قلمرو بدعت و فقدان عدالت معرفی می‌کند و از این رهگذر، مشروعیت دینی خلافت شرقی را به چالش می‌کشد. دوم، در برابر این وضعیت، موحدون را به عنوان حاملان عدالت، حق و دین راستین بازنمایی می‌کند و آنان را نیروی اصلاح‌گر و آینده‌ساز معرفی می‌نماید که می‌توانند بدعت‌ها را بزدايند و نظم مطلوب دینی-سیاسی را در جهان اسلام احیا کنند.

در نگاه ابن جبیر، حج، حرم، شهرها و مسیرها صرفاً موضوعات جغرافیایی یا عبادی نیستند، بلکه به مسئله حکمرانی و مشروعیت گره خورده‌اند. تکرار الگوهای زبانی نشان داد که این جهت‌گیری، تصادفی یا موردی نیست، بلکه بخشی از منطق متن است. بنابراین *الرحله* را باید متنی دانست که در آن سفر، ابزار بیان بحران و امکانی برای طرح وحدت سیاسی - دینی است. یافته‌های تحلیل کیفی و کمی نشان می‌دهد که ابن جبیر در گزارش‌های خود، به‌ویژه در توصیف ایوبیان و موحّدین، از الگوهای زبانی نسبتاً پایدار استفاده می‌کند که در آن موحّدین در جایگاه «عاملان احیای نظم دینی-سیاسی» و «حاملان امکان بازسازی انسجام جهان اسلام» بازنمایی می‌شوند. در این چارچوب، تعبیری چون «السلطان العادل» و «الملك

العدل» در نسبت با صلاح‌الدین، و نیز تعبیر قدسی و انحصاری در مورد موحدین، صرفاً توصیف‌های اخلاقی یا مذهبی نیستند، بلکه در سطح گفتمانی به تولید نوعی سلسله‌مراتب مشروعیت سیاسی در جهان اسلام کمک می‌کنند. در همین راستا، تحلیل داده‌های متن نشان داد که بازنمایی صلاح‌الدین در رحله، با تأکید بر عدالت و اصلاحات مالی و اداری همراه است؛ امری که می‌تواند به مثابه صورت‌بندی نوعی مشروعیت اجتماعی-آیینی برای قدرت سیاسی فهم شود.

از سوی دیگر، در بازنمایی موحدین، متن رحله از زبان قدسی، انحصاری و پیشگویانه استفاده می‌کند که در آن موحدین، به عنوان مرجع نهایی عدالت و نیروی تطهیرکننده بدعت‌ها معرفی می‌شود. این نوع صورت‌بندی، امکان خوانشی را فراهم می‌کند که در آن موحدین نه صرفاً یک دولت منطقه‌ای، بلکه به مثابه افقی برای تحقق نظم مطلوب دینی-سیاسی در جهان اسلام تصویر می‌شوند. در این چارچوب، متن /رحله/، نه تنها بازتاب‌دهنده افق ارزشی وحدت است، بلکه از طریق صورت‌بندی روایت‌های پیشگویانه و انتظاری، نوعی منطق آینده‌محور از امکان تحقق انسجام سیاسی-دینی را نیز تولید می‌کند. با این حال، هدف این پژوهش اثبات وجود یک نظریه سیاسی منسجم یا برنامه آگاهانه در اندیشه ابن جبیر نبوده است، بلکه منظور، وجود یک افق ارزشی در اندیشه وی است که در آن، وحدت به مثابه امکانی مطلوب و گمشده، در برابر وضعیت پراکندگی و بحران، بازنمایی می‌شود. این افق از طریق تکرار الگوهای خاصی از توصیف قابل شناسایی است، بدون آنکه بتوان آن را به یک برنامه سیاسی فروکاست. بر این اساس سفرنامه ابن جبیر فراتر از گزارش زیارتی و سیاحتی است و می‌توان آن را واجد نوعی گفتمان همگرایی دانست که در آن، انسجام جهان اسلام به صورت افقی مطلوب بازنمایی شده است. همچنین، می‌توان گفت رحله ابن جبیر در بستر تاریخ اندیشه سیاسی جهان اسلام، متنی است که در آن مشاهده، توصیف و داوری تاریخی به نحوی درهم‌تنیده شده‌اند که امکان بازخوانی آن را به مثابه یکی از صورت‌های اندیشیدن به مسئله وحدت در شرایط بحران فراهم می‌سازد. او نویسنده‌ای بود که از دل تجربه سفر، مسئله‌ی بزرگ زمانه خود را دید: پراکندگی جهان اسلام و ضرورت بازسازی وحدت آن؛ و در این نگاه پر بی راه نیست اگر ابن جبیر را جست‌وجوگری در تمنای وحدت بدانیم.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی. (بی تا). *الکامل فی التاریخ* (ج. ۲۲ و ۲۳). تهران، انتشارات کتب ایران.
- ابن الخطیب، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴). *الإحاطة فی أخبار غرناطة* (ج. ۲). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن جبیر، محمد بن احمد بن جبیر الکنانی الأندلسی. (بی تا). *رحله ابن جبیر*. بیروت: دار بیروت للطباعة والنشر.
- ابن جبیر، محمد. (۱۳۷۰). *سفرنامه ابن جبیر*. ترجمه پرویز اتابکی؛ تصحیح ویلیام رایت. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل. (۱۴۱۸). *كتاب الروضتين فی أخبار الدولتين النورية والصلاحية* (ج. ۴). بیروت: مؤسسه الرساله.
- المقرئ التلمسانی، احمد بن محمد. (۱۴۱۹). *نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب* (ج. ۲ و ۱). به کوشش احسان عباس. بیروت: دارالفکر.
- تقوی، هدیه. (۱۳۸۵). عباسیان و فاطمیان. *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام*، ۷(۲)، ۴۷-۶۴.
- رضا، عنایت الله. (۱۳۷۴). مدخل ابن جبیر. ابوالحسین. (ج. ۳)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر سید محمد کاظم موسوی بجنوردی.
- شاندور، آلبر. (۱۳۶۹). *صلاح الدین ایوبی*. ترجمه محمد قاضی. تهران: انتشارات زرین.
- عمر موسی، عزالدین. (۱۳۸۱). *دولت موحدین در مغرب جهان اسلام*. ترجمه صادق خورشید. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- عنان، عبدالله. (۱۳۷۰). *تاریخ دولت اسلامی در اندلس* (ج. ۴). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- عودی، ستار. (۱۳۸۸). مدخل حطین. (ج. ۱۳). *دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عدل - تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- عودی، ستار. (۱۳۸۶). مدخل جنگ های صلیبی. (ج. ۱۱). *دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل - تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- فاخوری، حنا و خلیل جر. (۱۳۹۳). *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فخری، ماجد. (۱۳۹۷). *سیر فلسفه در جهان اسلام*. ترجمه هیئت مترجمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لوقیس، برنارد. (۱۳۷۴). *نخستین مسلمانان در اروپا*. ترجمه م. قائد. تهران: مرکز نشر.
- مایر، هانس ابرهارد. (۱۳۷۱). *جنگ های صلیبی*. ترجمه عبدالحسین شاهکار. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۳). *علم و تمدن در اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Transliteration

- Abū Šāma, Šihāb al-Dīn ‘Abd al-Raḥmān b. Īsmā‘īl (1997). *Kītāb al-Rawḍatayn fī Aḵbār al-dawlatayn al-Nūrīyya wa-al-Šalāḥīyya* (vol. 4). Beirut: Mu’assīsat al-Risāla. [In Arabic]
- al-Maqqarī al-Tilmīsānī, Aḥmad b. Moḥammad (1998). *Nafḥ ul-Taīb min Ġosn al-Andalus al-Raṭīb* (vols. 1–2). ed. Ihsan Abbas. Beirut: Dār al-Fīkr. [In Arabic]
- Anan, Abdollah. (1991). *History of the Islamic State in Andalusia* (Vol. 4). Trans. Abd al-Mohammad Ayati. Tehran: Keihān Institute Publications. [In Persian]
- Fakhuri, Hanna, & Khalil Jarr. (2014). *History of Philosophy in the Islamic World*. Trans. Abd al-Mohammad Ayati. Tehran: ‘Elmī va Farhangī Publications. [In Persian]
- Fakhry, Majid. (2018). *A history of Islamic philosophy*. Trans. Committee of Translators. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Ībn ḵobayr, Moḥammad b. Aḥmad b. ḵobayr al-Kīnānī al-Andalusī (n.d.). *Riḥlat Ībn ḵobayr*. Beirut: Dār Beirut lil-Ṭībā‘a wa-al-Našr. [In Arabic]
- Ībn ḵobayr, Moḥammad (1991). *Safar-nāmeḥ-ye Ībn ḵobayr*. Trans. Parviz Atabaki; ed. William Wright. Mashhad: Enteshārāt-e Astān Qods-e Raḍavī. [In Persian]
- Ībn Aṭīr, ‘Azz al-Dīn ‘Alī (n.d.). *al-Kāmīl fī al-Tārīḵ* (vols. 22, 23). Tehran: Enteshārāt-e Kotob-e Irān. [In Arabic]
- Ībn al-ḵaṭīb, Moḥammad b. ‘Abdollāh (2003). *Al-Īḥāṭa fī Aḵbār Ġarnāṭa* (vol. 2). Beirut: Dār al-Kotob al-‘Īlmīyya. [In Arabic]
- Krachkovskii, Ignatii Iulianovich. (2000). *Istoriia arabskoi geograficheskoi literatury*. Trans. Abu al-Qasem Payandeh. Tehran: ‘Elmī va Farhangī Publications. [In Persian]
- Lewis, Bernard. (1995). *The Muslim Discovery of Europe*. Trans. M. Ghaed. Tehran: Markaz Publications. [In Persian]
- Mayer, Hans Eberhard. (1992). *The Crusades*. Trans. Abdol-Hossein Shahkar. Shiraz: Shiraz University Press. [In Persian]
- Nam, Jongkuk. (2021). Christian-Muslim relations in the period of Ibn Jubayr’s pilgrimage. *Journal of Western Medieval History*, 47, 77–118.
- Nasr, Seyyed Hossein. (1393). *Science and Civilization in Islam*. Trans. Ahmad Aram. Tehran: ‘Elmī va Farhangī Publications. [In Persian]
- Oudi, Sattar. (1393). *Madkhal Ḥittīn*. Encyclopedia of the World of Islam, Online, Vol. 13. Tehran: Encyclopaedia Islamica Foundation. [In Persian]
- Oudi, Sattar. (1393). *Madkhal the Crusades*. Encyclopedia of the World of Islam, Online, Vol. 11. Tehran: Encyclopaedia Islamica Foundation. [In Persian]
- Reza, Enayatollah. (1399). *Madkhal Ībn ḵobayr, Abū al-Hossān*. The Great Encyclopedia of Islam. [In Persian]

- Shandur, Albert. (1369). Salah al-Din Ayyubi. Trans. Mohammad Ghazi. Tehran: Zarrīn Publications. [In Persian]
- Skinner, Quentin. (1969). Meaning and understanding in the history of ideas. *History and Theory*, 8(1), 3–53.
- Taghavi, Hediye. (2006). The Abbasids and the Fatimids. *Faslnameh-ye Elmi-Pazhuheshi-ye Tarikh-e Islam*, 7(2), 47–64. [In Persian]
- Umar Musa, Izz al-Din. (1381). *Dowlat-e Movaḥedīn dar Maḡreb-e jahān-e Eslām*. Trans. Sadeq Khorsha. Qom: Hawza wa Daneshgah Publications. [In Persian]